

# چگونه؟؟؟؟؟ کودکانمان را برای پذیرش بچه جدید آماده بکنیم

ایوب سلیمانی



یکی از مسائلی که والدین هنگام تولد فرزند دوم با آن مواجه هستند، تأثیراتی است که تولد تازه متولد شده بر ویژگیهای رفتاری و عاطفی فرزند اول دارد.



که "فضولی پنهان" و در عین حال همیشه حاضر، آنجا را اشغال کرده است. وقتی که نوزاد به دنیا می آید اوضاع از این هم بدتر می شود، چون بعد از زایمان، مادر مدتی را در استراحت کامل به سر می برد، علاوه بر آن مادر بیشتر وقت خود را صرف نوزاد می کند و پدر نیز وقتی که وارد خانه می شود ابتدا سراغ نوزاد را می گیرد و بعد سراغ بچه بزرگتر می رود. با این وضع نمی توان انتظار داشت که کودک بزرگتر به استقبال نوزاد برود.

در هر حال نتایج مطالعاتی که درباره واکنشهای کودکان خردسال، بلافاصله پس از تولد برادر یا خواهرشان انجام شده، نشان می دهد که تقریباً تمام کودکان در برابر تولد نوزاد، بد اخلاق و بهانه گیر شدند. بیش از نیمی از آنها مدام گریه می کردند و به مادرشان آویزان می شدند. یک چهارم آنان دچار مشکلاتی در

کودک بزرگتر می گذارد. تولد فرزند جدید باعث می شود که عشق، علاقه و محبت مادر، پدر و سایر اعضای خانواده که قبلاً معطوف به کودک بزرگتر بود، بین کودک اول و نوزاد تقسیم شود و در بسیاری از مواقع ممکن است سهم کمتر نیز به کودک بزرگتر برسد. به هر حال تقسیم یعنی سهم کمتر به دست آوردن؛ در نتیجه کودک برای جلب توجه والدین و ارضای نیازهای وابستگی، به اعمال مختلفی متوسل می شود که رقابت و حسادت از آن جمله است.

با پیش رفتن دوران بارداری، کودک متوجه می شود که اگر چه نوزاد هنوز از راه نرسیده، اما مادر را از هم اکنون به خود مشغول کرده است. اکنون دیگر به سختی می توان به مادر دسترسی پیدا کرد. مادر ممکن است مریض بشود و در بستر بیفتد و یا خسته و در حال استراحت باشد. او حتی نمی تواند در آغوش مادر بنشیند، زیرا



"محبوب گرامی" مادر بودن ناشی می شود. این میل به اندازه‌ای در کودک قوی است که هیچ رقیبی را تحمل نمی کند. وقتی نوزاد متولد می شود، کودک بزرگتر برای حفظ عشق و علاقه انحصاری پدر و مادر به رقابت با او می پردازد. این رقابت ممکن است آشکار یا نهان باشد، و این امر به طرز برخورد والدین در برابر احساسات کودک بزرگتر نسبت به نوزاد بستگی دارد. برای نمونه بعضی از والدین از همچشمی میان کودکان خود چنان خشمگین می شوند که هرگونه بیان آشکار آن را سرکوب می کنند. برخی از والدین با انواع سیاست بازی سعی می کنند که هیچ گونه بهانه‌ای برای بروز واکنشهای منفی به دست کودکان ندهند. آنها می کوشند کودکانشان را متقاعد کنند که همه آنها، به طور یکسان مورد علاقه والدینشان هستند و هدایا، تمجیدها، کمکها، پوشاک و خوراک به طور عادلانه میان آنها تقسیم

مورد خواب شده بودند و بسیاری از آنان از خود حسادت نشان می دادند و نوزاد را اذیت می کردند. اغلب آنان دچار واکنشهای برگشتی شده بودند و تمایل داشتند مثل بچه‌های کوچولو باشند، مثلاً از صداهای آنان تقلید می کردند، میل داشتند که دیگران آنان را بغل کنند، مثل نوزادان غذا می خوردند، جای خودشان را خیس می کردند، و بعضی دیگر گوشه گیر شده بودند و یا ناخن هایشان را می خوردند. این گونه رفتارها در کودکانی که مادرانشان بعد از زایمان خسته و افسرده می شدند و یا مدت بستری شدنشان طولانی می شد، حادث تر و بیشتر بود.

البته کودکان همیشه در برابر تولد نوزاد به صورت منفی که در بالا به آنها اشاره شد، واکنش نشان نمی دهند. بعضی از کودکان گامهای بلندی در جهت مستقل شدن برمی دارند، آنها کم کم خودشان غذا می خورند، به توالت می روند و لباس می پوشند و بعضی دیگر شیشه شیر خود را کنار می گذارند. بسیاری نیز به فرزند تازه علاقه و توجه نشان می دهند و خواهان مراقبت از او می شوند.

#### عوامل مؤثر در واکنشهای منفی کودکان

به طور کلی واکنشهای منفی کودک در برابر نوزاد تازه متولد شده، از میل کودک به تنها

با پدر و مادر، در زمان قبل از تولد نوزاد مربوط می‌شود. اگر قبل از تولد نوزاد، کودک بزرگتر رابطهٔ چندان خوشایندی با والدین نداشته باشد، بعید نیست نظرش دربارهٔ بچهٔ جدید هم چندان خوشایند نباشد. این گونه به نظر می‌رسد که وقتی کودکان بزرگتر قبل از تولد نوزاد با پدرشان روابط نزدیکی داشته باشند، تولد نوزاد، آنها را کمتر ناراحت می‌کند و توجه از سوی پدر برایشان خیلی مهم است. در تأیید این موضوع شواهدی در دست نیست، اما به طور کلی شاید وقتی که کودکان با افراد دیگری به غیر از مادرشان روابط نزدیکی دارند، کمتر احتمال دارد که وقتی بچهٔ جدید با به خانه می‌گذارد، احساس طردشدگی به آنها دست دهد.

گاهی والدین به کودک کوچکتر نسبت به کودک بزرگتر بیشتر علاقه نشان می‌دهند که این ممکن است حسادت را که از قبل وجود داشته تقویت کند و یا باعث ایجاد آن شود.

تحت شرایط طبیعی، اختلافات سنی و جنسی ممکن است باعث حسادت در میان فرزندان یک خانواده شود. برادر بزرگتر مورد حسادت واقع می‌شود زیرا مزایای بیشتر و آزادی زیاده‌تری دارد. نوزاد مورد حسادت واقع می‌شود، زیرا از او مراقبت بیشتری می‌شود. برادر نسبت به خواهرش حسادت می‌ورزد، زیرا به نظر می‌رسد که خواهرش مورد توجه خاصی قرار می‌گیرد. خطر زمانی پیش می‌آید که والدین به خاطر نیازهایشان، اختلاف سنی و جنسی را مورد تأکید قرار می‌دهند. وقتی درماندگی و ناتوانی یک بچهٔ تازه به دنیا آمده به آزادی یک کودک شش ساله ترجیح داده شود تا به عکس، حسادت شدت

می‌شود. با وجود این هیچ یک از این برخوردها حسادت در کودکان را از بین نمی‌برد و میل به تنها "محبوب بودن" همچنان در آنان باقی می‌ماند. از آنجا که چنین تمایلی را نمی‌توان برآورده کرد، در نتیجه نمی‌توان به طور کامل از حسادت کودکان بزرگتر جلوگیری نمود.

البته بروز واکنشهای منفی و حسادت آمیز در کودکان نسبت به نوزاد تازه به دنیا آمده، به عوامل دیگری نیز بستگی دارد. نظر کودک بزرگتر دربارهٔ بچهٔ جدید تا حدودی به رابطهٔ او



خواهد یافت. همچنین اگر کودکی به خاطر مذکر یا مؤنث بودن، ظاهر، هوش، مهارت‌های اجتماعی یا توانایی‌هایش در کارهای هنری، بیش از حد مورد توجه واقع شود، حسادت باز شدت خواهد یافت و به هم‌چشمی بیرحمانه در کودکان منتهی خواهد شد.

### راه‌های مقابله با واکنش‌های منفی کودکان

آماده کردن کودک برای تولد فرزند جدید خیلی اهمیت دارد، اما باز هم برای او تصور این مسأله غیرممکن است که وقتی بچه تازه واقعاً به خانه می‌آید چه اتفاقی می‌افتد. بعضی از پدران و مادران گفت‌وگو درباره فرزند جدید را به ماه‌های آخر حاملگی موکول می‌کنند، چون زمان انتظار برای تولد نوزاد آن‌قدر طولانی است که در فهم یک کودک دو ساله نمی‌گنجد. برخی از والدین دیگر هم در طول حاملگی

درباره نوزادی که در آینده متولد خواهد شد، با کودک صحبت کرده، عکس‌های نوزادی اش را به او نشان می‌دهند و برایش از خصوصیات دوران نوزادی سخن می‌گویند و بعضی والدین نیز از هرگونه صحبت درباره نوزاد، در طول حاملگی خودداری می‌کنند و تولد نوزاد را از کودک بزرگتر پنهان می‌کنند. بعید نیست که در این صورت تولد نوزاد مشکلات بیشتری را برای کودک بزرگتر به وجود آورد. البته والدین هر قدر سعی کنند نمی‌توانند تولد نوزاد جدید را از فرزند بزرگتر خود پنهان کنند. به عنوان مثال گفت‌وگوی مادران دیگر با مادر کودک درباره "نوزاد آینده"، احتمالاً این راز را برای کودک آشکار خواهد کرد. پس خیلی بهتر است که کودک از زبان والدین درباره بچه جدید بشنود، نه اینکه کس دیگری ناگهان از او بپرسد: خیلی دلت می‌خواهد یک خواهر یا برادر کوچولو داشته باشی؟

ناگفته نماند که گفت‌وگو درباره بچه جدید



نتایج منفی منتهی شود:

مادری که کودک بزرگتر را هنگام اذیت کردن کودک کوچکتر غافلگیر کرده بود، غرض کنان به طرف او آمد و گفت: "چه مرگته؟ می خواهی بکشیش، نمی دانی که ممکن است با این کارت تا آخر عمر چلاقش بکنی؟ دیگر نباید به او دست بزنی."

همچنین توصیه‌ها درباره نحوه رفتار کودک بزرگتر با بچه جدید باید مثبت باشد. برای نمونه: "یواش بیوس و نازش کن"، خیلی بهتر از: "اذیتش نکن" است. باید به کودک نشان داد که چطور رفتار کند و نه آنکه چطور رفتار نکند. لازم است کودک بزرگتر را تا حد امکان با بچه کوچکتر مانوس کرد. و هر جاکه ممکن است باید به کودک بزرگتر اجازه داد تا در کارهای مربوط به نوزاد کمک کند. به مشابهت‌های میان کودک بزرگتر و فرزند کوچکتر اشاره کنید. با این نوع رفتار متوجه خواهید شد که احساسات مثبت و گرم میان دو کودک بیشتر می شود. شاید به این دلیل که آنها رفتار والدین را الگو قرار می دهند و یابه این دلیل که به آنها کمک می شود تا نیازهای یکدیگر را بهتر درک کنند.

نباید بعد از تولد او متوقف شود، بلکه باید از آن پس نیز ادامه یابد، چون در آن هنگام است که کودک وجود بچه دیگری را در خانه عملاً تجربه می کند و ممکن است حتی با وجود آمادگی قبلی چندان از این مسأله خوشش نیاید. شاید هم او را با آغوش باز بپذیرد، اما بعد وقتی که نوزاد روال زندگی اش را مختل کرد و باعث شد که پدر و مادر کمتر به او توجه و ابراز علاقه بکنند، او نیز از میزان علاقه و محبت خود نسبت به نوزاد بکاهد.

بعضی از کودکان، هم مراقب برادر یا خواهر کوچکتر خود هستند و هم در عین حال رفتارشان با او پرخاشگرانه است. در این مواقع بهتر است به جنبه مراقبتی کودکان پرو بال بدهیم و از پرخاشگری آنها بیش از حد عصبانی نشویم و اجازه دهیم که کودک احساساتش را نسبت به نوزاد به نحوی مسالمت آمیز بیان کند. برای نمونه وقتی کودکی سه ساله در حالی که پی در پی به نوزاد حمله می کند، غافلگیر شود، بلافاصله باید او را از این کار بازداشت و انگیزه‌های اعمالش را به طور آشکار برایش بیان کرد. در حالی که واکنش زیرمی تواند به

منابع:

فرزانه یاسایی، تهران: نشر تندر.

۴ - گینات، هایم، جی (۱۳۷۲)، رابطه والدین و کودکان، ترجمه سیاوش سرستی، تهران: انتشارات اطلاعات.

5 - BRYANT, B. & CROCKENBERG, S (1980). CORRELATES AND DIMENSIONS OF PROSOCIAL BEHAVIOR: A STUDY OF FEMALE SIBLING WITH THEIR MOTHER. CHILD DEVELOPMENT 51.

۱ - پاول، هنری ماسن و همکاران (۱۳۶۸)، رشد و شخصیت کودک، ترجمه مهشید یاسایی، تهران: نشر مرکز.

۲ - شفیع آبادی، عبدالله (۱۳۷۲)، راهنمایی و مشاوره کودک، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها.

۳ - جودوگلاس و نائومی ریچمن (۱۳۷۰)، رفتار با کودکان خردسال، ترجمه نیره توکلی و